



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تسیح طبیعت

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	تسبیح طبیعت (برگرفته از تفسیر موضوعی آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی)
۷	مشخصات کتاب
۷	فهرست مطالب
۸	تقدیم به
۸	متن اجازت‌نامه حضرت آیه‌الله سبحانی
۹	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله العظمی جعفر سبحانی
۹	متن تأییدیه حضرت آیت‌الله محمد یزدی
۱۰	مقدمه
۱۲	آیات موضوع تسبیح طبیعت (۲۶ آیه)
۱۴	تسبیح گویی تمام ذرات جهان
۱۵	تفاوت حمد و تسبیح
۱۵	تفاوت حمد و تسبیح
۱۵	۱. سجود و خضوع ذرات جهان در برابر خدا
۱۵	سجود و خضوع ذرات جهان در برابر خدا
۱۷	غرض از سجود موجودات
۱۷	حقیقت سجده در موجودات جهان
۱۸	سجده با میل و سجده با کراهت
۱۹	۲. تسبیح سراسری موجودات جهان
۱۹	تسبیح سراسری موجودات جهان
۲۱	آرای مفسران در تسبیح موجودات
۲۱	نظریه نخست
۲۲	نظریه دوم

- ۲۳ ..... نظریه سوم
- ۲۵ ..... وجود شعور در تمام موجودات جهان
- ۲۶ ..... اشاعه آگاهی در جمادات
- ۲۹ ..... دلیل عقلی بر این نظر
- ۳۱ ..... گسترش شعور و دانش‌های امروز
- ۳۲ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



نظریه نخست ۷۳۰۰۰

نظریه دوم ۷۶۰۰۰

(۱۳۷)

فهرست مطالب

عنوان شماره صفحه

نظریه سوم ۸۵۰۰۰

وجود شعور در تمام موجودات جهان ۹۶۰۰۰

اشاعه آگاهی در جمادات ۱۰۶۰۰۰

دلیل عقلی بر این نظر ۱۲۲۰۰۰

گسترش شعور و دانش‌های امروز ۱۳۰۰۰۰

(۱۳۸)

**تقدیم به**

سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعَةِ

الْمُضْطَفَى وَ بَهْجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْاِثْمَةِ الشَّعْثَةِ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لِاسِيْمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ

الْاَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدِّ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،

الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعِزَّ

الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُذِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَمَسْنَا

وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جُنْنَا بِبِضَاعِهِ

مُزْجَاهٍ مِنْ وَ لَانِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ

فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ

إِنَّا نُرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(۴)

**متن اجازه نامه حضرت آیه الله سبحانی**

برای تدوین آثار معظم له متناسب با مخاطبین جوان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضور انور جناب آقای دکتر محمد بیستونی (دام مجده)

با اهداء سلام



نامه جنابعالی رسید و از فعالیت‌های قرآن آن عزیز آگاه شدم. درباره آثار قرآنی اینجانب مجازید به هر نحوی که مصلحت دانستید برای مخاطبان جوان آماده سازید و شیوه نگارش مانند آثار پیشین جنابعالی باشد.

با تقدیم احترام

جعفر سبحانی

۱۱/۷/۱۳۸۸

(۵)

### متن تأییدیه حضرت آیه‌الله العظمی جعفر سبحانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از گام‌های مؤثر که باید مفسران اسلامی در تشریح و تفهیم مقاصد عالی قرآن بردارند این است که، دگرگونی عمیقی در شیوه تفسیر به وجود آورند و از تکرار تفسیر قرآن به شیوه ترتیبی که سوره به سوره یا آیه به آیه است، خودداری نمایند و توجه خود را به شیوه دیگری که همان «تفسیر موضوعی» است، معطوف سازند. آن‌گاه خواهند دید در این نوع تفسیر چه پنجره‌های زیبایی از علوم و معارف قرآن در چشم‌انداز تفسیری آنان گشوده می‌شود.

(۶)

در همین راستا برادر فرزانه جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان در تلاشی بیست ساله با لطف و عنایات ویژه الهی شش نوع تفسیر موضوعی برای شش مخاطب هدف تحت عناوین تفسیر کودک، تفسیر نوجوان، تفسیر جوان، تفسیر زنان، تفسیر مردان و تفسیر خانواده با نظارت علمای برجسته حوزه‌های علمیه تألیف و منتشر نموده و چندین کتب ارزنده قرآنی و تفسیر موضوعی مستقل را نیز تحت عناوینی همچون تغذیه، باستان‌شناسی، هنرهای دستی، دنیای حیوانات، شعر و شاعری، آب و باران، فقر و ثروت، نهج‌البلاغه جوان، خلاصه‌الغدیر، لغت‌شناسی و مفاهیم قرآن کریم و... را با نگاه ویژه به قرآن، حدیث و علوم روز برای نسل جوان تألیف و چاپ و منتشر نموده است که این حجم از فعالیت‌های تأثیرگذار قرآنی در نوع خود کم‌نظیر می‌باشد.

برای ایشان تداوم توفیقات و طول عمر همراه با صحت، عزت و حسن عاقبت را خواهانم و به همه خانواده‌های محترم و جوانان عزیز توصیه می‌نمایم از همه آثار ارزشمند و کاربردی ایشان که با محتوای عمیق و ساده و زیباترین شکل ارائه شده است حداکثر استفاده را بنمایند.

(۷)

قم - جعفر سبحانی

۴/۸/۸۸

(۸)

### متن تأییدیه حضرت آیت‌الله محمد یزدی

رئیس شورای عالی حوزه‌های علمیه و رئیس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن کریم این بزرگ‌ترین هدیه آسمانی و عالی‌ترین چراغ هدایت که خداوند عالم به وسیله آخرین پیامبرش برای بشریت

فروفرستاده است؛ همواره انسان‌ها را دستگیری و راهنمایی نموده و

(۹)

می‌نماید.

این انسان‌ها هستند که به هر مقدار بیشتر با این نور و رحمت ارتباط برقرار کنند بیشتر بهره می‌گیرند.

ارتباط انسان‌ها با قرآن کریم با خواندن، اندیشیدن، فهمیدن، شناختن اهداف آن شکل می‌گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان‌ها به دستورالعمل‌های آن، سطوح مختلف

(۱۰)

دارد. کارهایی که برای تسهیل و روان و آسان کردن این ارتباط انجام می‌گیرد هر کدام به نوبه خود ارزشمند است.

کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر بیستونی برای نسل جوان در جهت این خدمت بزرگ و امکان ارتباط بهتر نسل جوان با قرآن

(۱۱)

انجام داده‌اند؛ همگی قابل تقدیر و تشکر و احترام است. به علاقه‌مندان بخصوص جوانان توصیه می‌کنم که از این آثار بهره‌مند شوند.

توفیقات بیش از پیش ایشان را از خداوند متعال خواهانم.

محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری

۱/۲/۱۳۸۸

(۱۲)

## مقدمه

قرآن کریم در آیات ۸۲ سوره اسراء و ۴۴ فُصِّلَتْ و ۵۷ یُونُس خود را به عنوان نسخه شفابخش معرفی می‌کند. بنابراین می‌توان این کتاب آسمانی را همچون داروخانه‌ای فرض کرد که بیماران و نیازمندان متناسب با نوع بیماری و نیاز خاص خود باید به سراغ آن رفته و برنامه زندگی و نجات خود را از این گنجینه معنوی و مادی انتخاب کنند تا پرنده زیبای خوشبختی را در آغوش گرفته و در ساحل امن و آرام آن طی مسیر نموده و دنیا و آخرت خود را در سایه عمل به محتوای قرآن آباد سازند.

در همین راستا گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان که تشکلی مردمی و غیرانتفاعی است ۱۰ مؤسسه تخصصی قرآنی را تأسیس نموده است تا هر یک از مؤسسات متناسب با «مخاطب خاص» یا «موضوع خاص» مندرج در اساسنامه

(۱۳)

رسمی خود، گروه‌های سِتّنی گوناگون را با آیات مرتبط با همان گروه مأنوس ساخته و درک و فهم آیات موضوعی را برای آنان ساده و میسر سازد. لذا براساس فلسفه وجودی تأسیس هر مؤسسه، شش نوع تفسیر موضوعی بر اساس شش جمعیت هدف در مؤسسات مذکور تدوین و منتشر شده است که عبارتند از:

- «تفسیر کودک» ویژه کودکان پیش دبستانی تا پایان دبستان که حدود ۲۰۰ آیه مورد نیاز برای کودکان عزیز به صورت گرافیکی، مفهومی و به ۴ زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه در ۳۰ جلد به صورت تمام رنگی در قطع بیاضی را در خود جای داده است.

- «تفسیر نوجوان» ویژه نوجوانان مقطع راهنمایی تا پایان دبیرستان است که حدود ۲۰۰۰ آیه موضوعی متناسب با نیازهای نوجوانان عزیز در قطع

(۱۴) تسبیح طبیعت

جیبی با استفاده از تفسیر نمونه در ۳۰ جلد را دربر گرفته و با استفاده از ۹ رنگ جذاب در چاپ متن برای جامعه هدف خود طراحی شده و به دلیل دارا بودن فهرستواره موضوعی این امکان را برای نخستین بار برای نوجوانان فراهم می‌سازد تا بدون نیاز به استاد حدوداً ۴۰۰۰ موضوع از قرآن کریم را به سادگی فیش برداری و تحقیق نموده و در قالب مقاله یا کتاب ارائه دهند.

- «تفسیر جوان» ویژه جوانان دانشجو و بزرگسالان می‌باشد که کل آیات قرآن را با استفاده از تفسیر نمونه در ۳۰ جلد به خود اختصاص داده است و جوانان عزیز با استفاده از فهرستواره موضوعی و الفبایی فارسی این تفسیر قادر خواهند بود تا حدود ۱۰/۰۰۰ موضوع مورد نیاز خود را پژوهش و استخراج نمایند.

- «تفسیر زنان» در این تفسیر مجموعه آیات مربوط به بانوان محترم

مقدمه (۱۵)

استخراج شده و در ذیل هر آیه تفسیر آن بر اساس سه تفسیر معتبر موجود یعنی «تفسیر نمونه» تألیف حضرت آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی و «تفسیر مجمع البیان» اثر گرانسنگ مفسر بزرگ جهان تشیع امین‌الاسلام مرحوم آیه‌الله طبرسی (متوفی به سال ۵۴۸ ه.ق) و «تفسیر المیزان» نوشته مرحوم آیه‌الله علامه طباطبایی، درج شده است. البته مجموعه مطالب استخراج شده از تفسیر المیزان درباره زنان و خانواده به صورت یکجا جمع‌آوری و در پایان کتاب درج شده است. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر ۲۷۵ آیه می‌باشد.

- «تفسیر مردان» که دربردارنده آیات مربوط به آقایان می‌باشد. نظیر آیاتی که وظایف و تعهدات مردان نسبت به خانم‌ها را تبیین نموده یا گروه آیات جهاد و شهادت. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر ۳۵۰ آیه می‌باشد.

- «تفسیر خانواده» مجموعه آیات مرتبط با مسائل خانوادگی را به صورت تخصصی و موضوعی مورد ارزیابی قرار داده است. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر ۴۲۵ آیه می‌باشد.

(۱۶) تسبیح طبیعت

پس از پایان کار تدوین ۶ تفسیر مذکور برای ۶ جمعیت هدف، کارهای انجام شده را به مرجع بیدار و هوشیار جهان اسلام حضرت آیه‌الله العظمی جعفر سبحانی که پایه‌گذار نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی می‌باشند ارائه داده و از محضرشان تقاضا نمودم تا اجازه دهند مجموعه آثار قرآنی معظم‌له را که بسیار کاربردی، متنوع و گسترده و مورد نیاز جامعه امروز می‌باشد برای استفاده نسل جوان و عموم مردم ساده‌سازی و چاپ و منتشر نمایم و ایشان با تقاضای بنده موافقت فرمودند.

کتاب حاضر یکی از موضوعاتی است که در دانشگاه‌ها و مراکز علمی همواره مورد بحث و سؤال بوده و خصوصاً اخیراً به دلیل کشف تأثیرپذیری و

مقدمه (۱۷)

عکس‌العمل هدفمند و معنی‌دار مولکولهای آب و سایر اجسام از محیط اطراف خود ابعاد جدیدی پیدا کرده است. امیدوارم خداوند منان ما و شما را شکرگزار نعمت وجود علمای روشنفکر که ادامه دهندگان راه انبیاء و اولیاء الهی هستند قرار داده و توفیق فهم و درک و نشر مفاهیم زندگی‌ساز و نشاط‌آفرین قرآن کریم را به همگی عنایت فرماید.

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران ۸/۸/۱۳۸۸ مصادف با سالروز ولادت

سلطان قلبها علی بن موسی الرضا علیه السلام

(۱۸) تسبیح طبیعت

### آیات موضوع تسبیح طبیعت (۲۶ آیه)

«...وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...»

(۷۴ - بقره)

«برخی از صخره‌ها، از ترس خدا، از نقطه‌ای می‌افتند.»

«وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ...»

(۱۳ - رعد)

«رعد و فرشتگان به تسبیح و ستایش او مشغولند.»

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلُّهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ» (۱۵ - رعد)

تسبیح طبیعت (۱۹)

«آن‌چه که در آسمان‌ها و زمین است و همچنین سایه‌های آن‌ها صبح و شام از روی میل و اجبار، برای خدا سجده می‌کنند.»

«...وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ»

(۴۶ - ابراهیم)

«نزدیک است که از حيله آنان، کوه‌ها از جای خود کنده شوند.»

«أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَتَّوْنَ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ»

(۴۸ - نحل)

(۲۰) تسبیح طبیعت

«مگر نمی‌نگرند به اجسامی که خدا آفریده است که سایه‌های آن‌ها از راست و چپ (صبح و عصر) حرکت می‌کنند و خدا را

سجده می‌نمایند، در حالی که خود اجسام در حال خضوع و اطاعت هستند.»

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (۴۹ / نحل)

«برای خدا آن‌چه که در آسمان‌ها و زمین است، از جنبندگان و فرشتگان سجده می‌کنند و هرگز کبر نمی‌ورزند.»

تسبیح طبیعت (۲۱)

«تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا

غَفُورًا» (۴۴ - اسراء)

«آسمان‌های هفت گانه و زمین و هر موجود عاقلی که در آن‌ها است، خدا را تنزیه می‌کند و آن‌چه در جهان هستی به عنوان

«شیء» شناخته شده است، خدا را با ستایش تنزیه می‌کند، ولی شما از تسبیح آن‌ها آگاه نیستید و درک نمی‌کنید.»

«تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرُونَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ

(۲۲) تسبیح طبیعت

تَخْرُ الْجِبَالُ هَذَا» (۹۰ - مریم)

«نزدیک است که آسمان‌ها از هول آن فرو ریزد و زمین بشکافتد و کوه‌ها درهم کوبیده شود.»

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ...» (۱۸ - حج)

مگر نمی‌بینی خدا را، آن چه در آسمان‌ها و زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت و چهارپایان و بسیاری از مردم سجده می‌کنند...».

تسبیح طبیعت (۲۳)

«يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۲۴ - نور)

«روزی فرامی‌رسد که زبان‌ها و دست‌ها و پاهای آنان بر ضرر آنان گواهی می‌دهد.».

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلُّ قَدَعَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ...»

(۴۱ - نور)

(۲۴) تسبیح طبیعت

«آیا ندیدی آن چه که در آسمان‌ها و زمین است، خدا را تسبیح می‌گویند و مرغان گشاده بال نیز تسبیح می‌گویند و هر کدام به دعا و تنزیه خود آشنا است.».

«وَوَرِثَ سُلَيْمَنُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ...» (۱۶ - نمل)

«سلیمان وارث داوود شد و گفت: مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم شده است.».

تسبیح طبیعت (۲۵)

«وَوَحِّشَرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ...» (۱۷ - نمل)

سپاهیان سلیمان، از سه گروه جن و انسان و پرندگان حاضر شدند.».

«... يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (۱۸ - نمل)

«مورچگان! به لانه‌های خود پناه ببرید تا سلیمان و سپاهیان او شماها را نابود نکنند، در حالی که آنان متوجه نیستند.».

(۲۶) تسبیح طبیعت

«فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ...»

(۱۹ - نمل)

«سلیمان، از شنیدن ندای مورچه در شگفت ماند و از خدا خواست که به او توفیق شکرگزاری نعمتی را دهد که بر او و والدین او ارزانی داشته است.».

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ»

تسبیح طبیعت (۲۷)

«إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (۷۲ - احزاب)

«ما بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌های عالم عرض امانت کردیم همه از تحمل آن امتناع ورزیده و از آن ترسیدند، انسان آن را پذیرفت و هم بسیار ستمکار و نادان بود.».

«الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۶۵ - يس)

«روزی فرا می‌رسد که بر زبان آنان مهر می‌زنیم و دست‌های آنان را به سخن گفتن وادار می‌کنیم و پاهای آنان بر کردار بد آنان گواهی می‌دهد.».

(۲۸) تسبیح طبیعت

«إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ» (ص - ۱۸)

ما کوه‌ها را برای داوود رام کرده و آن‌ها شبان‌گاه و صبح‌گاه، خدا را تسبیح می‌گویند.

«ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»

(۱۱ - فصلت)

تسبیح طبیعت (۲۹)

«سپس اراده آفرینش آسمان فرمود، در حالی که به صورت دود بود، به آن و به زمین دستور داد به‌وجود آید و

شکل گیرد، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه، آن‌ها گفتند: ما از روی طاعت می‌آییم».

«وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ...» (۲۱ - فصلت)

«به پوست‌های خود می‌گویند: چرا بر ضرر ما گواهی دادید؟ می‌گویند: خدایی که همه را ناطق کرده است،

(۳۰) تسبیح طبیعت

ما را به سخن گفتن واداشت».

«...وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ...» (۵ - شوری)

«فرشتگان با حمد پروردگار خویش، او را تسبیح می‌گویند و درباره افرادی که در زمین هستند، طلب آمرزش می‌کنند».

«وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» (۶ - رحمن)

«بوته‌ها و درختان او را سجده می‌کنند».

«سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (۱ - حدید)

تسبیح طبیعت (۳۱)

«آن چه در آسمان‌ها و زمین است، خدا را تنزیه می‌کند و او عزیز و حکیم است».

«لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَّاسٍ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (۲۱ - حشر)

«اگر این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم، آن را از ترس خدا فروتن و شکافته شده می‌دیدیم، این توصیف را برای مردم

(۳۲) تسبیح طبیعت

می‌آوریم تا بیندیشند».

«يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (۴ - زلزال)

«در آن روز زمین اخبار خود را بازگو می‌کند».

«بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا» (۵ - زلزال)

«زیرا پروردگار او به او وحی کرده است».

تسبیح طبیعت (۳۳)

## تسبیح گویی تمام ذرات جهان

یکی از حقایق و معارف بلند قرآن این است که سراسر ذرات جهان خدا را سجده می‌کنند و به حمد و تسبیح و تقدیس او

مشغولند. و این حقیقت جز از قرآن، از هیچ مکتبی به این گستردگی شنیده نشده است.

به عبارت روشن‌تر همه ذرات وجود، از دل اتم‌ها گرفته تا درون کهکشان‌ها و سحابی‌ها این سه وظیفه بزرگ را انجام می‌دهند:

(۳۴) تسبیح طبیعت

. همه موجودات جهان خدا را «سجده» می‌کنند.

. سراسر جهان هستی خدا را «تسبیح و تنزیه» می‌کنند.

. تمام موجودات، خدا را «تسبیح و تنزیه» می‌کنند.

تو گویی سراسر جهان خضوع و فروتنی، گوش و زبان، روح و احساس، درک و مسئولیت، نور و روشنایی و علم و دانش است.

سجده با حمد و تسبیح تفاوت روشنی دارد که نیاز به بیان ندارد، زیرا سجده، خضوع و ابراز کوچکی است

تسبیح طبیعت (۳۵)

درحالی که حمد و تسبیح، بیان کمال و جمال خدا و پیراستن او از نقص و عیب است.

## تفاوت حمد و تسبیح

## تفاوت حمد و تسبیح

هرگاه خدا را از این نظر ستایش کنیم که او دارای صفات کمال و جمال و مبدأ کارهای نیک و سودمند است، در این صورت

ستایش ما را «حمد» می‌گویند ولی اگر ذات او را از هر نوع عیب و نقص پیراسته بدانیم، آن را تسبیح می‌گویند. و

(۳۶) تسبیح طبیعت

به عبارت دیگر «حمد» خدا، توصیف او در برابر کمال (صفات ثبوتی و اعمال نیک) است، خواه این کمال جزو ذات او باشد مانند

علم و قدرت، یا از افعال او به شمار رود مانند رازقیت. در حالی که تسبیح خدا، تنزیه او از عیوب و نقایص (صفات سلبی) است.

اکنون که تفاوت این دو روشن شد، لازم است درباره هر سه مطلب، که یکی از ابتکارات قرآن است، به گونه‌ای

بحث کنیم.

تسبیح طبیعت (۳۷)

## ۱. سجود و خضوع ذرات جهان در برابر خدا

### سجود و خضوع ذرات جهان در برابر خدا

قرآن سجده و خضوع موجودات جهان را به گونه‌های مختلفی مطرح کرده و در برخی از آیات، تنها از سجود موجودات ذی‌شعور

سخن به میان آورده است. آن جا که می‌فرماید:

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

(۳۸) تسبیح طبیعت

طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَلُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ» (۱)

«آنچه که در آسمان‌ها و زمین است و هم‌چنین سایه‌های آن‌ها صبح و شام از روی میل و اجبار، برای خدا سجده می‌کنند».

در این آیه، به گواهی لفظ «مَنْ» در جمله «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ»

۱- ۱۵ / رعد. سخن از سجود موجودات عاقل و مدرک در این آیه، در آیه‌های دیگری نیز وارد شده است مانند آیه چهل و نه از

سوره نحل به عنوان سجده ملائکه و آیه هیجده از سوره حج به عنوان «مَنْ فِي السَّمَوَاتِ» و ...

تسبیح طبیعت (۳۹)

فِي السَّمَوَاتِ» تنها خضوع موجودات ذی‌عقل مطرح است.

مقصود از سجده در این آیه که از سجده تمام موجودات عاقل سخن می‌گوید. سجده اختیاری نیست، زیرا شکی نیست که بسیاری از موجودات عاقل (مانند انسان‌های کافر) تارک سجده اختیاری می‌باشند و از عبادت خدا، سر باز می‌زنند، و با توجه به این مطلب باید گفت: مقصود سجده تکوینی است و این که تمام آن‌ها از قوانین خلقت و سنن آفرینش پیروی می‌کنند و نسبت به آن‌ها مطیع و فرمانبر می‌باشند.

(۴۰) تسبیح طبیعت

در این جا ممکن است سؤالی مطرح شود و آن این است که: اگر مقصود، سجده تکوینی است و این که بندگان نسبت به فرمان خلقت «کُنْ» خاضع و مطیعند در این صورت تقسیم این نوع از سجده، به سجده، «طَوَّعِي» و سجده «كَرْهِي» چه معنایی می‌تواند داشته باشد. البته این سؤالی است که در اثنای بحث به آن پاسخ خواهیم گفت و یادآور خواهیم شد که پذیرش فرمان خلقت، گاهی با مزاج و طبیعت موجود مادی

تسبیح طبیعت (۴۱)

مطابق است و گاهی برخلاف آن است، مثلاً شکوفایی و تکامل درخت مطابق طبیعت و خشکیدن و نابودی آن به وسیله سرما بر خلاف طبیعت آن است از این جهت پذیرش فرمان نخست را سجده «طَوَّعِي» و دومی را سجده «كَرْهِي» می‌گویند. در برخی از آیات، دایره «سجده» گسترده‌تر شده، از سجود تمام جنبندها سخن به میان آمده است. آن جا که می‌فرماید:

(۴۲) تسبیح طبیعت

«وَاللَّهُ يَشْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (۱).

«برای خدا آن چه که در آسمان‌ها و زمین است، از جنبندها و فرشتگان سجده می‌کنند و هرگز کبر نمی‌ورزند».

بار سوم سجده گیاهان و درختان را متذکر می‌گردد و می‌فرماید:

۱- ۴۹ / نحل .

تسبیح طبیعت (۴۳)

«وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» (۱).

«بوته‌ها و درختان او را سجده می‌کنند».

بار چهارم با دید وسیعی از سجود و خضوع سایه‌های اجسام سخن گفته و می‌فرماید:

«أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَتَّحُونَ ظِلَالَهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ» (۲).

۱- ۶ / رحمن .

۲- ۴۸ / نحل .

(۴۴) تسبیح طبیعت

«مگر نمی‌نگرند به اجسامی که خدا آفریده است که سایه‌های آن‌ها از راست و چپ (صبح و عصر) حرکت می‌کنند و خدا را سجده می‌نمایند، در حالی که خود اجسام در حال خضوع و اطاعت هستند».

برای بار پنجم خداوند از سجده آفتاب و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت و چهارپایان سخن گفته است. آن جا که می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَشْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ

تسبیح طبیعت (۴۵)

فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ...» (۱)



«مگر نمی‌بینی آن چه در آسمان‌ها و زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت و چهارپایان و بسیاری از مردم خدا را سجده می‌کنند...».

بنابراین، مسئله سجده موجودات یک مسئله عمومی است که سراسر جهان هستی را فرامی‌گیرد و اختصاص به موجودی ندارد.

آن چه مهم است فهمیدن حقیقت «سجده» است و این که چگونه هر موجودی از ذی‌شعور و غیره در برابر عظمت حق ابراز کوچکی می‌نماید.

۱- ۱۸ / حج .

(۴۶) تسبیح طبیعت

تسبیح طبیعت (۴۷)

### غرض از سجود موجودات

سجده انسان معمولاً با گذاردن اعضایی از آن جمله پیشانی و احیانا چانه (۱)، بر زمین انجام می‌گیرد. این هیئت ظاهری سجده است، ولی روح آن همان ابراز تذلل و فروتنی

۱- قرآن به این عضو در این آیه اشاره می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا» (۱۰۷ / اسراء)، افراد دانشمند از پیشینیان هر موقع (آیات خدا) بر آنان خوانده شود به روی زمین می‌افتند در حالی که چانه‌های خود را بر زمین می‌گذارند.

(۴۸) تسبیح طبیعت

در برابر معبود می‌باشد.

در این جا این مسئله مطرح می‌گردد که آیا در تحقق «سجده»، که هدف از آن، کمال خضوع است، لازم است هیئت خاصی وجود داشته باشد و بدون تحقق آن نمی‌توان این لفظ را به کار برد یا این که ملاک آن، ابراز خضوع و فروتنی است و در هر کجا این امر محقق گردد، می‌توانیم لفظ سجده را به کار ببریم هر چند همان هیئت خاص وجود نداشته باشد و اگر هم به آن هیئت خاص، سجده می‌گوییم از این نظر است که یک چنین هیئت در نظر مردم حاکی از غایت تواضع و خضوع است و در حقیقت طریقی برای اظهار فروتنی است.

تسبیح طبیعت (۴۹)

قرآن در این مسئله راه دوم را انتخاب می‌کند و هر نوع اظهار کوچکی را که به صورت تحقق پذیرد، سجده می‌نامد. روش عرف و عقل نیز در نام‌گذاری و به کار بردن الفاظ همین است؛ مثلاً روزی لفظ چراغ در چراغ‌های محقری به کار می‌رفت که برای خود شکل و وضع خاصی داشت و از

(۵۰) تسبیح طبیعت

هیچ‌نظر قابل مقایسه با چراغ‌های پرفروغ امروز نبود، ولی چون خاصیت و اثر همان چراغ‌های دیرینه در چراغ‌های امروز به صورت کامل تری وجود دارد، از این نظر لفظ مزبور بدون هیچ‌گونه تغییری به نورافکن‌های نیرومند نیز اطلاق می‌شود.

تسبیح طبیعت (۵۱)

### حقیقت سجده در موجودات جهان

همه موجودات جهان، به نحو خاصی مراتب تذلل خود را نسبت به مقام ربوبی ابراز می‌نمایند و عالی‌ترین مظهر برای اظهار کوچکی و تعظیم معبود جهان، این است که همه جهان در قبضه قدرت وی بوده و همگی مطیع فرمان و اراده مطلقه او می‌باشند؛ به عبارت دیگر اراده واحدی بر جهان حکومت می‌کند و همه موجودات از آن پیروی کرده و در برابر آن هیچ‌گونه مقاومتی ابراز نمی‌نمایند.

(۵۲) تسبیح طبیعت

بنابراین در سجده به این معنا (اطاعت بی‌چون و چرای موجودات از اراده نافذ خداوند) کراهتی تصور نخواهد شد، زیرا اکراه در موردی به کار می‌رود که موجودی از خود، دارای اراده و اختیار باشد تا در مقابل دیگری ابراز مقاومت کند، در صورتی که هیچ موجودی بدون استمداد از قدرت خدا دارای وجود نیست تا چه رسد که از خود اراده مخالفی داشته باشد و سجده در برابر عظمت خدا را مکروه بشمارد.

تسبیح طبیعت (۵۳)

### سجده با میل و سجده با کراهت

مع الوصف مشاهده می‌شود که جمله «طَوْعًا وَ كَرْهًا» برای انسان و هر موجود ذی‌عقل، دو نوع سجده را ثابت می‌کند؛ سجده‌ای از روی میل و سجده‌ای از روی کراهت.

در این صورت ناچاریم برای این نوع سجده، تفسیری برگزینیم و بگوییم: منظور از سجده با رغبت، پذیرشی است که با طبع انسان و یا هر موجود دیگر موافق باشد؛ مانند رشد و نمو و گردش خون و ضربان قلب برای انسان و مقصود از

(۵۴) تسبیح طبیعت

سجده کراهتی، پذیرش یک سلسله رویدادهایی است که با طبع موجود سازگار نباشد؛ مانند مرگ‌ها و بلاهایی که انسان را پیش از وصول به پایان عمر، محکوم به نیستی می‌سازد.

در قرآن مجید در آیه دیگری نیز لفظ‌های «طَوْعًا وَ كَرْهًا» درباره آسمان‌ها و زمین به کار رفته است و طبعاً مقصود همان است که گفته شد. چنان که می‌فرماید:

«...فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ أُنْتِ يَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (۱)

تسبیح طبیعت (۵۵)

«به آسمان و زمین خطاب کرد (بیایید) و فرمان مرا در پذیرش هر نوع تغییرات از روی اراده یا کراهت بپذیرید. گفتند: به رغبت بپذیرفتیم.»

بنابراین هم پذیرش وجود و هم قبول هر نوع تصرف، خواه موافق طبیعت موجود باشد یا مخالف آن، خضوع و اظهار کوچکی در برابر خدا است. چیزی که هست این است که به یک معنا همه این پذیرش‌ها از روی میل و رغبت است و به یک معنا، آن قسم از حوادث که بر خلاف مسیر طبیعی موجود باشد، نوعی کراهت در آن وجود دارد.

۱-۱۱ / فصلت .

(۵۶) تسبیح طبیعت

نه تنها وجود هر موجودی در قبضه قدرت او است، بلکه سایه‌های اجسام در گردش و تحولات خود، تابع اراده و خواست او هستند و هنگام صبح و عصر در دو طرف جسم سایه‌های چشم‌گیری دیده می‌شود که همگی در پرتو اراده نافذ او می‌باشند.

تسبیح طبیعت (۵۷)

آیا شایسته است که همه اجسام جهان با سایه‌های خود، در برابر خدا ابراز کوچکی کنند، اما انسان از سجده تشریحی در برابر خدا امتناع ورزد هرچند پیوسته از نظر تکوین خاضع و خاشع است، به خصوص این که خداوند انواع موجودات زمین و آسمان را در برابر انسان خاضع ساخته

(۵۸) تسبیح طبیعت

است. (۱) آیا سزاوار است که او در برابر پروردگارش خضوع نکند؟

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

اکنون که با معنای سجده در موجودات آشنا شدیم و روشن شد که مقصود از سجده موجودات، همان سجده تکوینی آن‌ها است، لازم است درباره حمد و تسبیح موجودات جهان، به گونه گسترده، سخن گوئیم.

۱- ر.ک: به آیات مربوط به تسخیر آسمان‌ها، و زمین برای انسان .

تسبیح طبیعت (۵۹)

## ۲. تسبیح سراسری موجودات جهان

### تسبیح سراسری موجودات جهان

در گذشته یاد آور شدیم که حمد و ثنا، ستایش خدا در برابر صفات کمالی و ثبوتی او است، هم چنان که تسبیح او، پیراسته ساختن او از معایب است. و توصیف خدا با هر صفات سلبی و تنزیه وی می‌باشد.

(۶۰) تسبیح طبیعت

چون در برخی از آیات مورد بحث، هر دو موضوع با هم وارد شده است، از این نظر، آن دو را یک جا بحث می‌نماییم. در تقسیم‌بندی آیات از هر قسمی به ذکر یک آیه اکتفا می‌کنیم.

. گاهی قرآن تسبیح موجودات را در دایره وسیعی بیان کرده و آن را یک امر عمومی، که همه موجودات را در برمی‌گیرد، مطرح می‌کند و می‌فرماید:

«سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». (۱)

تسبیح طبیعت (۶۱)

«آن چه در آسمان‌ها و زمین است، خدا را تنزیه می‌کند و او عزیز و حکیم است».

لفظ «ما» برخلاف تصور برخی در عاقل و غیرعاقل به کار می‌رود و منظور از آن در این جا، تمام موجوداتی است که در آسمان‌ها و زمین قرار دارند.

۱- ۱ / حدید .

(۶۲) تسبیح طبیعت

به همین مضمون است آیه‌های ۱ و ۲۴ سوره حشر، ۱ سوره صف، ۱ سوره جمعه، ۱ سوره تغابن و صریح‌ترین آیه در این مورد، آیه ۴۴ سوره اسراء است. چنان که می‌فرماید:

«تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيمًا غَفُورًا»

«آسمان‌های هفت گانه و زمین و هر موجود عاقلی که در آن‌ها است، خدا را تنزیه می‌کند و آن چه در جهان هستی به

تسبیح طبیعت (۶۳)

عنوان «شئیء» شناخته شده است، خدا را با ستایش تنزیه می‌کند، ولی شما از تسبیح آن‌ها آگاه نیستید و درک نمی‌کنید». نکته قابل توجه که بعداً سند گفتار ما خواهد بود این است که می‌گوید: ما از تسبیح آن‌ها آگاه نیستیم و درک نمی‌کنیم. گاهی از تسبیح فرشتگان به صراحت و گاهی به کنایه سخن می‌گوید. آن جا که می‌فرماید:

«...وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ...» (۱)

(۶۴) تسبیح طبیعت

«فرشتگان با حمد پروردگار خویش، او را تسبیح می‌گویند و درباره افرادی که در زمین هستند، طلب آمرزش می‌کنند». تسبیح فرشتگان در آیات دیگری نیز وارد شده است؛ به آیه‌های ۲۰۶ سوره اعراف، ۱۳ رعد، ۲۰ انبیاء، ۷ غافر، ۱-۵ / شوری .

تسبیح طبیعت (۶۵)

۳۸ فُصِّلَتْ و ۵ زُمِرَ مراجعه شود.

گاهی پس از یک بیان عمومی، تسبیح مرغان هوا را متذکر شده و چنین می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ...» (۱)

«آیا ندیدی آن چه که در آسمان‌ها و زمین است، خدا را

۱-۴۱ / نور .

(۶۶) تسبیح طبیعت

تسبیح می‌گویند و مرغان گشاده بال نیز تسبیح می‌گویند و هر کدام به دعا و تنزیه خود آشنا است». دقت بفرمایید که در این آیه به آن گروه که خدا را تسبیح می‌کنند نسبت «علم» می‌دهد و آن‌ها را به تسبیح خود آگاه معرفی می‌کند و به اصطلاح می‌فرماید: «قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ»؛ «هر کدام به دعا و تسبیح خود آشنا است». تسبیح پرندگان در آیات دیگری نیز وارد شده است؛ مانند؛ آیه ۱۰ سوره سبأ و ۱۹ سوره ص.

تسبیح طبیعت (۶۷)

در برخی از آیات تصریح شده که کوه‌ها در اوقات خاصی خدا را تسبیح می‌گویند. آن جا که می‌فرماید:

«أَنَا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ» (۱)

«ما کوه‌ها را برای داوود رام کرده و آن‌ها شبان‌گاه و صبح‌گاه، خدا را تسبیح می‌گویند». تسبیح کوه‌ها در آیات دیگری نیز وارد شده است؛ مانند:

۱-۱۸ / ص .

(۶۸) تسبیح طبیعت

آیه ۷۹ سوره انبیاء و ۹ سوره سبأ.

برای بار پنجم، تسبیح رعد را متذکر می‌گردد و می‌فرماید: «وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ». اکنون باید دید منظور از تسبیح چیست؟

تسبیح در لغت، به معنای تنزیه از نقایص است. بنابراین در حقیقت تسبیح تنزیه از نقص و عیب نهفته است و هر تفسیری که برای «تسبیح» گفته شود ولی حاکی از تقدیس خداوند و تنزیه او از عیب و نقص نباشد، نمی‌توان آن را تفسیر صحیح برای تسبیح دانست.

تسبیح طبیعت (۶۹)

## آرای مفسران در تسبیح موجودات

برخی از مفسران که نتوانستند به حقیقت تسبیح تمام موجودات پی برند، برای فرار از اشکالی که در تسبیح همه موجودات در بدو نظر موجود است گفته‌اند: مراد از «ما» در «ما فی السَّمَوَاتِ» موجودات عاقل است که دارنده شعورند مانند انسان و فرشته که خداوند را با کمال ادراک و شعور تقدیس می‌نمایند. (۱)

(۷۰) تسبیح طبیعت

در حالی که بسیاری از مفسران، این نظریه را نپذیرفته‌اند و گفته‌اند:

مقصود از «ما» اعم از عاقل و غیرعاقل، مُدْرِك و غیرمُدْرِك است و ظاهر آیه با نظر آن‌ها وفق می‌دهد، زیرا لفظ

۱- این پاسخ بر فرض صحت در برخی از آیات می‌تواند صحیح باشد مانند آیاتی که در آن جا لفظ «ما» وارد شده است ولی در آیاتی که صریحا، از تسبیح مرغ و کوه و رعد سخن می‌گویند صحیح نیست.

تسبیح طبیعت (۷۱)

«ما» معمولاً در مطلق موجودات به کار می‌رود، عکس «مَنْ» که بیشتر در صاحبان عقل و شعور استعمال می‌شود.

این دسته برای تسبیح، معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند، ولی اکثر آن‌ها با این که صحیح و پا برجا است، ارتباطی به معنای تسبیح ندارد. اکنون به پاره‌ای از نظرات دیگر اشاره می‌نماییم:

(۷۲) تسبیح طبیعت

### نظریه نخست

مقصود از تسبیح همان خضوع تکوینی هر موجودی در برابر فرمان و اراده الهی است و سراسر هستی در برابر اراده و مشیت خداوند، خاضع بوده و در پذیرش وجود و پیروی از قوانینی که خداوند برای آن‌ها تعیین نموده است، مطیع و تسلیم می‌باشند. بنابر این نظریه، به آیاتی که درباره تسلیم بودن تمام موجودات جهان در برابر اراده نافذ حق وارد شده است،

تسبیح طبیعت (۷۳)

استدلال می‌شود؛ مانند:

«ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (۱)

«سپس اراده آفرینش آسمان فرمود، در حالی که به صورت دود بود، به آن و به زمین دستور داد به وجود آید و شکل گیرد، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه، آن‌ها گفتند:

۱- ۱۱ / فَصَّلَتْ .

(۷۴) تسبیح طبیعت

ما از روی طاعت می‌آییم» .

بنابراین، آیاتی که در آن‌ها به تمام آن‌چه در زمین و آسمان است نسبت سجود و خضوع داده شده است، می‌تواند مؤید نظر یاد شده باشد. (۱)

ولی ما تصور می‌کنیم که این نظر صائب نیست، زیرا مسئله خضوع و سجود و تسلیم شدن سراسر جهان هستی

۱- مجموع این آیات در بخش سجود مطرح گردید و مورد بررسی قرار گرفت .

تسبیح طبیعت (۷۵)

در برابر اراده خداوند ارتباطی به مسئله تنزیه و تقدیس حق از نقص و عیب ندارد و نباید این دو مطلب را به هم آمیخت. اگر چه هر کدام از این‌ها در جای خود درست و استوار است.

## نظریه دوم

بسیاری از مفسران، تسبیح موجودات جهان را چنین تفسیر می‌کنند:

نظم و نظام شگفت‌انگیز هر موجودی با رمز و اتقانی که

(۷۶) تسبیح طبیعت

در ساختمان آن به کار رفته است، گواه بر قدرت بی‌نهایت دانش و آگاهی و حکمت بی‌پایان سازنده او است. سازمان دقیق و اسرار پیچیده هر موجودی همان‌طور که به وجود صانع خود گواهی می‌دهد، هم‌چنین به لسان تکوینی گواهی می‌دهد که خالق آن دانا و توانا است و از هر نوع عجز و جهل مبرا و منزّه است؛ مثلاً برای تنزیه حق از شرک چنین گواهی می‌دهد: نظام واحدی که هم بر یک «اتم» و هم بر منظومه شمسی ما حکومت می‌کند، گواهی می‌دهد که همه سازمان هستی زیر نظر یک آفریدگار به وجود آمده است و هیچ کس جز او در پدید آوردن هستی دخالت نداشته و اثر و نظام یگانه، حاکی از وحدت مؤثر و نبودن هر نوع شریک برای او است. از این جهت وحدت نظام، خدا را از شرک، تنزیه و تقدیس می‌کند.

تسبیح طبیعت (۷۷)

خلاصه همان‌طور که حکومت نظم و قانون واحد بر مجموع جهان آفرینش، گواهی می‌دهد که ناظم یگانه‌ای بر جهان حکومت می‌کند، هم‌چنین اسرار دقیق و اندازه‌گیری شده موجودات، حاکی است که آفریدگار آن‌ها دانا و توانا است.

(۷۸) تسبیح طبیعت

این نظریه که مورد اعتماد بسیاری از مفسران است، از جهاتی قابل دقت و ملاحظه است:

اگر مقصود خدا از تسبیح تمام موجودات جهان، این باشد که در این نظر آمده است این حقیقتی است که همه آن را درک می‌کنند و می‌فهمند، دیگر جا ندارد که قرآن بفرماید:

تسبیح طبیعت (۷۹)

«وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (۱) «شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید». زیرا این نوع تنزیه را هر فردی به فراخور حال خود درک کرده و می‌فهمد.

برخی برای اصلاح این نظریه، ناچار شدند که جمله «لَا تَفْقَهُونَ» را به معنای عدم توجه بگیرند و بگویند که اکثر مردم به این مطلب توجه ندارند و یا این که بگویند: عظمت دلالت موجودات بر تنزیه خدا، به قدری عظیم است که انسان به اندازه واقعی آن واقف نمی‌گردد. ولی ناگفته پیداست که توجیه مزبور برای جمله فوق، خلاف ظاهر آن است و اگر منظور خدا این بود، مناسب بود بفرماید: «وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ» یا جمله‌ای مانند آن.

۱- ۴۴ / اسراء .

(۸۰) تسبیح طبیعت

اگر تسبیح موجودات جهان به این معناست که از تدبیر در ساختمان وجودی اشیاء، این نوع تنزیه تکوینی را درک می‌کنیم چرا قرآن می‌فرماید: «آسمان‌ها و زمین و مرغان به

تسبیح طبیعت (۸۱)

دعا و تنزیه خود آشنا هستند» (۱) و به عبارت دیگر چطور آشکارا به آن‌ها نسبت علم داده و می‌گوید: «كُلُّ قَدٍّ عَلِمَ صِيْلَاتَهُ وَ

تَسْبِيحُهُ»؛ «هر کدام به راز و نیاز خود آشنا هستند». در صورتی که روی این نظر هیچ کدام از آن‌ها از تسبیح و تنزیه خود اطلاعی ندارند، بلکه فقط ما هستیم که از روی دقت و امعان نظر لسان تکوینی و زبان حمد و ثنای آن‌ها را درک می‌کنیم و گرنه خود آن‌ها کوچک‌ترین توجهی به کار خود ندارند.

۱- ۴۱ / نور.

#### (۸۲) تسبیح طبیعت

. اگر منظور از تسبیح کائنات این است که بیشتر مفسران انتخاب کرده‌اند، این نوع تسبیح وقت معین ندارد، بلکه حقیقتی است که بشر هر موقع در سازمان هر موجودی دقت کند، آن را درک می‌نماید در صورتی که قرآن تسبیح کوه‌ها را مقید به شبان‌گاه و صبح‌گاه فرموده، چنان که در سوره ص آیه ۱۸ به آن تصریح می‌کند و می‌فرماید: «يُسَبِّحُنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإشْرَاقِ». (۱)

تسبیح طبیعت (۸۳)

روی این ملاحظات با این که تسبیح تکوینی و این که هر موجودی با زبان تکوینی خود، خالق خود را از هر نوع عیب و نقص تنزیه می‌نماید مطلبی است صحیح ولی نمی‌توان آیات مربوط به تسبیح گفتن کائنات را ناظر به این نوع از تسبیح دانست.

۱- مگر این که صبح و عصر کنایه از مجموع شبانه روز باشد. در این صورت وقت تسبیح آن‌ها مطلق و نامحدود خواهد بود.

(۸۴) تسبیح طبیعت

### نظریه سوم

این نظریه مربوط به فیلسوف گرامی اسلام مرحوم صدر المتألهین است که در مسائل مربوط به الهیات و امور مابعدطبیعت، نظرات بس شامخ و بلندی دارد و از محققین و مؤسسين بزرگ اصول فلسفه اسلامی است که چشم روزگار مردی به این وسعت ذهن و بینش بلند و درک عمیق و ژرف کم‌تر دیده است.

#### تسبیح طبیعت (۸۵)

این مرد بزرگ در سال ۹۷۹ در شیراز به دنیا آمد و در سال ۱۰۵۰ در راه زیارت خانه خدا در بصره از دنیا رفت. مرحوم سید حسین بروجردی در کتاب تحفه المقال درباره ایشان می‌گوید:

ثُمَّ ابْنُ إِبْرَاهِيمَ صَدْرُ الْأَجَلِّ فِي سَفَرِ الْحَجِّ مَرِيضًا إِذْ تَحَلَّ قُدُوءُ أَهْلِ الْعِلْمِ وَالصَّفَاءِ يَزُودُ عَنِ الدَّامَادِ وَالْبُهَائِي

(۸۶) تسبیح طبیعت

سپس پسر ابراهیم که صدر علمای بزرگ بود در سفر حج در حالت مرضی از دنیا رفت

او پیشوای اهل علم و صفا بود از میر داماد و شیخ بهائی روایت می‌کرد

و کلمه مریضا، به حساب ابجد ۱۰۵۰ ه.ق و تاریخ وفات او است.

#### تسبیح طبیعت (۸۷)

وی می‌گوید: تمام موجودات جهان از روی علم و درک به حمد و تسبیح خداوند بزرگ مشغولند و هر موجودی، در هر پایه‌ای از وجود که هست و هر اندازه که از هستی سهمی دارد، به همان اندازه به آفریدگار خود علم دارد و او را از این طریق ثنا می‌گوید و از عیوب تنزیه می‌کند.

وی می‌گوید:

علم و ادراک، در تمام مراحل و مراتب وجود، از واجب‌الوجود گرفته تا برسد به جهان نبات و جماد، تحقق دارد و هر موجودی در

هر رتبه‌ای از وجود باشد، سهم و

## (۸۸) تسبیح طبیعت

حظی از صفات عمومی مانند علم و شعور و حیات و... داشته و هیچ موجودی از آن خالی نیست. چیزی که هست گاهی بر اثر ضعیف بودن این صفات، وجود آن‌ها برای ما مکشوف نیست. موجودات جهان، هر چه از ماده و آثار آن دوری گزینند و به صورت یک موجود مجرد در آیند و یا در مسیر مجرد قرار گیرند، این صفات در آن‌ها قوی‌تر و واضح‌تر می‌شود و هر قدر از نظر وجود به ماده گرایش پیدا کنند، این صفات در آن‌ها به همان اندازه کاهش یافته تا آن جا که به نظر می‌رسند فاقد علم و ادراک هستند؛ ولی در حقیقت چنین نیست، بلکه اصل این صفات را به طور ضعیف دارا هستند، هر چند برای ما انعکاس ندارد.

## تسبیح طبیعت (۸۹)

وی این مطلب را از طریق برهان فلسفی و مکاشفات نفسانی ثابت می‌نماید.

او گامی فراتر نهاده و می‌گوید: گفته قرآن که شما از تسبیح و تحمید موجودات آگاهی ندارید مربوط به نوع مردم است، زیرا اکثر مردم حقیقت تسبیح آن‌ها را درک نمی‌کنند، ولی مانعی ندارد که برخی از روشن‌دلان، کسانی که روح آنان با حقایق موجودات ارتباطی پیدا کرده است، با گوش دل، تنزیه آن‌ها را بشنوند و از تسبیح کاینات در برابر فرمان خدا آگاه باشند.

قلبی که از وسوسه‌ها و علایق مادی خالی گردد و مرکز فرود انوار حق و برکات معنوی باشد، از طریق مکاشفه وجدانی همه این حقایق را دیده و درک می‌کند.

## (۹۰) تسبیح طبیعت

مولوی با بینش خاص خود این حقیقت را دریافته و می‌گوید:

## تسبیح طبیعت (۹۱)

گر تو را از غیب چشمی باز شد جمله ذرات جهان هم راز شد  
نطق آب و نطق خاک و نطق گل هست محسوس حواس اهل دل

## (۹۲) تسبیح طبیعت

فلسفی کو منکر «حنا» است از حواس انبیا بیگانه است

جمله ذرات عالم در نهان با تو می‌گویند روزان و شبان

ما سمعییم و بصیریم و خوشیم با شما نامحرمان ما خامشیم (۱)

۱- مثنوی، ج ۱، ص ۸۶.

## تسبیح طبیعت (۹۳)

چون شما سوی جمادی می‌روید محرم جان جمادات کی شوید

فاش تسبیح جمادات آیدت و سوسه تأویل‌ها بر بایدت

چون ندارد جان تو قندیل‌ها بهر بینش کرده‌ای تأویل‌ها (۱)

۱- همان مدرک، ج ۳، ص ۲۲۷.

## (۹۴) تسبیح طبیعت

اکنون که سخن به این جا منتهی گردید، لازم است این حقیقت قرآنی را از تدبر در آیاتی که پیرامون علم و شعور تمام موجودات وارد شده است به دست آوریم، زیرا اگر قرآن همه موجودات جهان را تسبیح گو و ثناخوان معرفی می‌کند، از طرف دیگر تمام ذرات جهان را، شاعر، آگاه، گوش و هوش قلمداد می‌نماید. هرگاه آیات این دو بخش را کنار هم قرار دهیم، قطعاً نظریه صدرالمآلهین به روشن‌ترین وجه ثابت خواهد شد. اینک آیاتی را که بر شعور و درک جهان گواهی می‌دهد از نظر



می‌گذرانیم.

تسبیح طبیعت (۹۵)

### وجود شعور در تمام موجودات جهان

این نظریه را می‌توان از دو راه ثابت کرد:

. آیاتی که بر وجود شعور در تمام موجودات جهان اعم از جاندار و غیره گواهی می‌دهند.

. دلایل عقلی که وجود شعور را در تمام ذرات جهان ثابت می‌کند.

(۹۶) تسبیح طبیعت

اینک راه نخست:

قرآن، به روشنی گواهی می‌دهد که مورچگان از شعور خاصی برخوردارند، زیرا هنگامی که سلیمان با سپاهیان خود از بیانی عبور

می‌کرد، مورچه‌ای به مورچگان بیابان، که بیم آن می‌رفت همگی زیرا پای سلیمان و سپاهیان او از بین بروند، ندا در داد تو گفت:

«... يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمٌ

تسبیح طبیعت (۹۷)

وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (۱)

«مورچگان! به لانه‌های خود پناه ببرید تا سلیمان و سپاهیان او شماها را نابود نکنند، در حالی که آنان متوجه نیستند».

ندای مورچه، یک ندای حقیقی بود و هرگز نمی‌توان آن را به معنای مجازی و زبان حال حمل کرد، به گواه این که طبق

۱- ۱۸ / نمل .

(۹۸) تسبیح طبیعت

نقل قرآن، سلیمان از شنیدن سخن او تبسمی کرد و از خداوند خواست به او توفیق دهد در برابر نعمت‌هایی که بر او و والدین او

ارزانی داشته است، سپاس گزار گردد. چنان که می‌فرماید:

. «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ...» (۱)

۱- ۱۹ / نمل .

تسبیح طبیعت (۹۹)

«سلیمان، از شنیدن ندای مورچه در شگفت ماند و از خدا خواست که به او توفیق شکرگزاری نعمتی را دهد که بر او و والدین او

ارزانی داشته است».

قرآن، درباره پرنده‌ای به نام هدهد داستانی دارد که حاکی از شعور خاص او است، به طوری که موحد را از مشرک تشخیص

می‌داد و سلیمان او را برای انجام مأموریت‌هایی گسیل می‌داشت. روزی او را غایب دید و گفت: اگر برای غیبت خویش عذر

موجهی نداشته باشد، او را تنبیه خواهد

(۱۰۰) تسبیح طبیعت

داد و یا سرش را خواهد برید. چیزی نگذشت که هدهد آمد و گفت: بر چیزی واقف شدم که تو بر آن واقف نشدی، و از دولت

«سبا» خبر شگفت‌آوری آورده‌ام، زنی بر آنان فرمان‌روایی می‌کند و از هر نوع نعمت برخوردار است و برای او تخت بزرگی است.

من دیدم آنان به جای پرستش خدا، آفتاب را می‌پرستند. شیطان کردارهای آنان را زیبا جلوه داده و از راه حق بازداشته و آنان را

گمراه ساخته است.

چرا آنان خدایی را که بر هر امر پنهانی، وجود بخشیده

تسبیح طبیعت (۱۰۱)

است، سجده نمی‌کنند، در حالی که از کردارهای پنهان و آشکار آنان آگاه است؛ خدایی که جز او خدایی نیست، صاحب عرش بزرگ است.

سلیمان گفت: بررسی می‌کنم بینم که در این گزارش راست گو هستی یا نه، نامه مرا ببر و به آنان برسان و از آنان دور شو، و مراقب باش آنان در برابر نامه من چه واکنشی نشان می‌دهند. (۱)

(۱۰۲) تسبیح طبیعت

پرنده‌ای که تا این حد، کارهای دقیق و مرموزی را درک می‌کند و گزارش می‌دهد و فرمان می‌برد، به طور مسلم از یک شعور خاصی برخوردار است.

قرآن، یکی از مفاخر سلیمان را این می‌داند که او به زبان پرندگان آشنا بود و می‌گوید:

۱-۱۶ و ۱۷ / نمل .

تسبیح طبیعت (۱۰۳)

«وَوَرِثَ سُلَيْمَنُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ...» (۱)

«سلیمان وارث داوود شد و گفت: مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم شده است.»

سلیمان، سپاهی از انسان و جن و پرندگان تشکیل داده بود و همگی تحت فرمان او بودند.

۱-۱۶ / نمل .

(۱۰۴) تسبیح طبیعت

چنان که می‌فرماید:

«وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ...» (۱)

سپاهیان سلیمان، از سه گروه جن و انسان و پرندگان حاضر شدند.»

از مجموع این آیات استفاده می‌شود که پرندگان بالاخص

۱-۱۷ / نمل .

تسبیح طبیعت (۱۰۵)

و تمام جان‌داران به طور اعم، از آگاهی خاصی برخوردارند و اگر انسان کاملی بر صفحه جهان حکومت کند، می‌تواند با آنان

سخن بگوید و از آن‌ها در تحکیم نظام توحیدی و شکستن مظاهر بت‌پرستی، استفاده کند.

### اشاعه آگاهی در جمادات

آیات قرآن به گونه‌ای در این موضوع سخن گفته است و برای جمادات، افعالی را نسبت داده است که توأم با درک و آگاهی است.

(۱۰۶) تسبیح طبیعت

سقوط برخی از سنگ‌ها را، از نقطه‌ای، معلول «خَشْيَةٍ» و «خداترسی» آن‌ها می‌داند. چنان که می‌فرماید:

«وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (۱)

«برخی از صخره‌ها، از ترس خدا، از نقطه‌ای می‌افتد.»

در آیه‌ای یادآور می‌شود که «امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنان از تحمل بار امانت ابا ورزیدند و ترسیدند و انسان آن را به دوش گرفت...». چنان که می‌فرماید:

۱- ۷۴ / بقره .

تسبیح طبیعت (۱۰۷)

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (۱) «ما بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌های عالم عرض امانت کردیم همه از تحمل آن امتناع ورزیده و از آن ترسیدند، انسان آن را پذیرفت و هم بسیار ستمکار و نادان بود».

۱- ۷۲ / احزاب .

تسبیح طبیعت (۱۰۸)

برخی از مفسران، این آیه و امثال آن را بر معنای مجازی، که در اصطلاح به آن زبان حال می‌گویند، حمل کرده‌اند، در صورتی که چنین تفسیری نوعی پیش‌داوری است و هرگز جهت ندارد حقیقتی را که قرآن از آن گزارش می‌دهد، بر غیر ظاهر آن حمل کنیم و این که می‌گویند علم تاکنون بر چنین شعور و آگاهی دست نیافته است، دلیل بر نبودن آن در این موجودات نیست، زیرا تنها وظیفه علم، اثبات است و بس و

تسبیح طبیعت (۱۰۹)

هیچ گاه علم، حق نفی و سلب چیزی را که از وجود و عدم آن آگاه نیست، ندارد.

«لَوْ أَتْرَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ (۱) نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (۲)

۱- لفظ «امثال» در این آیه و آیات مشابه آن، مانند «أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ» (۴۸ / اسراء) به معنای توصیف و بیان است و هرگز مقصود «مثل» مصطلح نیست.

۲- ۲۱ / حشر .

تسبیح طبیعت (۱۱۰)

«اگر این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم، آن را از ترس خدا فروتن و شکافته شده می‌دید، این توصیف را برای مردم می‌آوریم تا بیندیشند».

ما اگر هر نوع پیش‌داوری را درباره آیات قرآن کنار بگذاریم، باید بگوییم که کوه، دارای چنین شایستگی است که اگر مورد خطاب خدا قرار گیرد، بر اثر آگاهی از عظمت خطاب، شکافته و پراکنده می‌گردد.

از برخی از آیات به طور اشاره وجود چنین آگاهی استفاده می‌شود. آن جا که می‌فرماید:

تسبیح طبیعت (۱۱۱)

«...وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ» (۱)

«نزدیک است که از حيله آنان، کوه‌ها از جای خود کنده شوند».

«تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطَرْنَ مِنْهُ وَتَشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا» (۲)

«نزدیک است که آسمان‌ها از هول آن فرو ریزد و زمین بشکافتد و کوه‌ها درهم کوبیده شود».

۱- ۴۶ / ابراهیم .

۲- ۹۰ / مریم .

تسبیح طبیعت (۱۱۲)

اگر به راستی در کوه‌ها، شایستگی آگاهی از اوضاع خارج از خود نبود، چنین توصیفی از آن‌ها، دور از بلاغت بود. آن‌گاه ناچار خواهیم بود که برای آیه معنای مجازی از قبیل مبالغه و تمثیل فرض کنیم، هم‌چنان که برخی از مفسران در این مورد مرتکب چنین کاری شده‌اند.

آیات مربوط به روز رستاخیز، پرده از روی چنین آگاهی بر می‌دارد، زیرا در چنین روزی دست‌ها و پاها و پوست‌ها بر جرایم انسان شهادت خواهند داد و به فرمان خدا، بشر مجرم را از خصوصیات زندگی او و کارهایی که انجام داده است، مطلع خواهند نمود.

تسبیح طبیعت (۱۱۳)

اینک آیات این قسمت:

«يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۱)

«روزی فرا می‌رسد که زبان‌ها و دست‌ها و پاهای آنان بر ضرر آنان گواهی می‌دهد».

«الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ

۱- ۲۴ / نور .

(۱۱۴) تسبیح طبیعت

تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۱)

«روزی فرا می‌رسد که بر زبان آنان مهر می‌زنیم و دست‌های آنان را به سخن گفتن وادار می‌کنیم و پاهای آنان بر کردار بد آنان گواهی می‌دهد».

«وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ...» (۲)

«به پوست‌های خود می‌گویند: چرا بر ضرر ما گواهی دادید؟ می‌گویند: خدایی که همه را ناطق کرده است، ما را به سخن گفتن واداشت».

۱- ۶۵ / یس .

۲- ۲۱ / فُصِّلَتْ .

تسبیح طبیعت (۱۱۵)

قرآن، به روشنی گواهی می‌دهد که روز رستاخیز، زمین، اخبار خود را بازگو می‌کند و از طرف خدا به آن وحی می‌رسد. چنان که می‌فرماید:

«يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا. «بَانَ رَبُّكَ أَوْ حِيلَهَا» (۱)

«زیرا پروردگار او به او وحی کرده است. در آن روز زمین اخبار خود را بازگو می‌کند».

۱- ۴ و ۵ / زلزال .

(۱۱۶) تسبیح طبیعت

قرآن، به روشنی از اطاعت و سرسپردگی آسمان و زمین گزارش می‌دهد و می‌فرماید:

«ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (۱)

«سپس اراده آفرینش آسمان فرمود، در حالی که به صورت دود بود، به آن و به زمین دستور داد به‌وجود آید و

۱- ۱۱ / فصلت .

تسبیح طبیعت (۱۱۷)

شکل گیرید، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه، آن‌ها گفتند: ما از روی طاعت می‌آییم».

این آیات و نظایر آن‌ها در نظر گروهی که بخواهند بر قرآن شاگردی کنند و در فهم معانی قرآن هر نوع پیش‌داوری را کنار بگذارند، به روشنی از وجود درک و شعور در سراسر جهان، خبر می‌دهد، حالا حقیقت این شعور و آگاهی چگونه است و در چه پایه است، برای ما روشن نیست.

در ادعیه اسلامی، به این مطلب اشاره‌هایی هست که از باب نمونه، دو مورد را نقل می‌کنیم:

(۱۱۸) تسبیح طبیعت

«تُسَبِّحُ لَكَ الدَّوَابُّ فِي مَرَاعِيهَا وَالسَّبَاعُ فِي فَلَوَاتِهَا وَالطَّيْرُ فِي وُكُورِهَا وَتُسَبِّحُ لَكَ الْبِحَارُ بِأَمْوَاجِهَا وَالْحَيْتَانُ فِي مِيَاهِهَا»  
چهار پایان در چراگاه‌ها، درندگان در بیابان‌ها، پرندگان در آشیانه‌ها تو را تسبیح می‌گویند، دریا با امواج متلاطم خود، ماهیان در میان آن‌ها، تو را تنزیه می‌نمایند».

در صحیفه سجادیه چنین می‌خوانیم: امام سجاد علیه‌السلام موقع رؤیت هلال، آن را با جمله‌های زیر مخاطب می‌ساخت.

تسبیح طبیعت (۱۱۹)

«أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمَطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ» (۱)

ای آفریده فرمان بردار تندرو که پیوسته در منازلی که بر تو اندازه‌گیری شده است، تردد می‌کنید».

با وجود این آیات و روایات که شعور و ادراک را در سراسر موجودات جهان حاکم می‌داند، باید در تفسیر تسبیح موجودات، نظریه مرحوم صدر المتألهین را  
۱- صحیفه سجادیه، دعای ۴۳.

(۱۲۰) تسبیح طبیعت

برگزیده و گفت: این تسبیح، تسبیح واقعی است و موجودات جهان به زبان ویژه خود، خدا را تسبیح می‌گویند، نه با زبان حال، به گونه‌ای که در نظریه‌های پیشین وجود داشت.

تسبیح طبیعت (۱۲۱)

### دلیل عقلی بر این نظر

این نظر را می‌توان با دلیل عقلی و اصول «حکمت متعالی» (۱) نیز ثابت نمود و خلاصه آن این است: وجود و هستی، در هر مرتبه‌ای با علم و شعور و درک و آگاهی ملازم است و هر چیزی که سهمی از وجود و هستی دارد به همان اندازه از علم و شعور سهمی خواهد داشت، و دلایل فلسفی این نظر را کاملاً تأیید می‌کند و پایه برهان فلسفی آن را دو چیز تشکیل می‌دهد.

۱- حکمت متعالی همان فلسفه صدر المتألهین است که برای خود در فلسفه اسلامی، مکتب ویژه‌ای دارد.

(۱۲۲) تسبیح طبیعت

در جهان هستی، آن چه اصیل و سرچشمه آثار و کمالات است «وجود» است و هر نوع فیض معنوی و مادی از آن او است. اگر در جهان، علم و ادراکی، قدرت و نیرویی، زندگی و حیاتی هست، همگی در پرتو وجود و هستی اشیا است و اگر وجود از میان برود، همه این جنب و جوش‌ها، تلاش‌ها و حرکات‌ها به خاموشی می‌گراید.

برای وجود، در تمام مراحل هستی، از واجب و

تسبیح طبیعت (۱۲۳)

ممکن، از مجرد و مادی، از عرض و جوهر، یک حقیقت بیش نیست و حقیقت وجود اگر چه برای ما روشن نیست، ولی ما به آن حقیقت با یک رشته مفاهیم ذهنی اشاره می‌کنیم و می‌گوییم: وجود، چیزی است که عدم و نیستی را طرد می‌کند و به هر چیزی حقیقت و عینیت می‌بخشد.

بنابراین، هر کجا از وجود سراغی داشته باشیم، این دو صفت (طرد عدم تشکیل دهنده حقیقت خارجی عینی) را در آن جا می‌یابیم. از این جهت می‌گوییم: وجود، در تمام مراحل، یک حقیقت بیش ندارد و آن این که دو اثر یاد شده را که حقیقت آن‌ها نیز یکی است، دارا می‌باشد.

#### (۱۲۴) تسبیح طبیعت

روی این بیان که وجود را منبع تمام کمالات بدانیم و برای آن یک حقیقت بیش قائل نشویم، باید چنین نتیجه بگیریم: هرگاه وجود در مرتبه‌ای از مراتب هستی، مانند موجودات جاندار، دارای اثری (علم و ادراک) گردید، حتما باید این اثر در تمام این صورت یا باید وجود، سرچشمه کمالات نباشد یا این که برای وجود، حقایق متباین تصور کنیم و حقیقت آن را در مرتبه جاندار، با آن چه که در مراتب گیاه و معدن است، مغایر و مباین بدانیم، زیرا معنا ندارد که

#### تسبیح طبیعت (۱۲۵)

یک حقیقت در مرتبه‌ای دارای اثری باشد و در مرتبه دیگر فاقد آن باشد؛ به عبارت دیگر هرگاه وجود دارای حقایق مختلف و متباین بود، جا داشت که در نقطه‌ای واجد اثری باشد و در نقطه دیگر نشانه‌ای از آن نباشد، ولی هرگاه برای آن یک حقیقت بیش نباشد و تفاوت مصادیق آن روی شدت و ضعف مراتب باشد، در این صورت معنا ندارد که یک حقیقت در مرحله‌ای دارای اثری باشد و در مرتبه دیگر دارا نباشد.

این خلاصه برهان فلسفی است که مرحوم صدرالمتألهین

#### (۱۲۶) تسبیح طبیعت

در اسفار(۱)، در موارد مختلفی، پیرامون آن بحث و گفت‌وگو نموده است و می‌گوید: ظواهر آیات قرآن، این حقیقت را تأیید می‌کند. آن‌جا که می‌فرماید:

«...وَ أَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ...» (۴۴ - اسراء).

«همه موجودات با ستایش خود خدا را تتریه می‌کنند، ولی شما از نحوه تسبیح آن‌ها آگاه نیستید.»

۱- اسفار، ج ۱، ص ۱۱۸ و ج ۶، ص ۱۳۹ - ۱۴۰.

#### تسبیح طبیعت (۱۲۷)

مرحوم صدرالمتألهین، این حقیقت فلسفی و قرآنی را از طریق شهود و مکاشفه نیز درک کرده و در رساله سیر و سلوک خود اشعاری در این مضمون دارد:

بر عارف همه ذرات عالم ملک وارند در تسبیح هر دم

کف خالی که در روی زمین است بر عارف کتاب مستبین است

بهر جا، دانه‌ای در باغ و راغی است درون مغز او روشن چراغی است

#### (۱۲۸) تسبیح طبیعت

به فعل آید ز قوه هر نهانی ز هر خاکی یکی عقلی و جامی

بود نامحرمان را چشم دل کور و گرنه هیچ ذره نیست بی نور

بخوان تو آیه نور السماوات که چون خورشیدیابی، جمله ذرات

که تا دانی که در هر ذره‌ای خاک یکی نوری است تابان گشت زان پاک

تسبیح طبیعت (۱۲۹)

### گسترش شعور و دانش‌های امروز

خوشبختانه دانش‌های امروز، بر اثر زحمات پژوهش‌گران، وجود علم و ادراک را در جهان نبات ثابت نموده است، تا آن جا که دانشمندان روسی معتقدند که گیاهان اعصاب دارند و فریاد هم می‌کشند. لابراتوار علایم کشاورزی «مسکو» فریاد و گریه‌های ریشه گیاهی را که در آب گرم قرار گرفته بود ضبط کرد. خبرگزاری‌های جهان از رادیو مسکو نقل می‌کنند که گیاهان اعصاب دارند، فریاد می‌کشند.

رادیو مسکو، دیشب گوشه‌ای از نتایج تحقیقات

(۱۳۰) تسبیح طبیعت

دانشمندان روسی را در نباتات و گیاهان فاش ساخت و گفت: دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که گیاهان نیز دارای دستگاهی شبیه شبکه اعصاب حیواناتند. این، نتیجه آزمایشی یک دانشمند است که در ساقه کدو و به دستگاه‌های الیافی آن فرستنده‌هایی نصب کرد و سپس مطالعات را با تعقیب ریشه و گیاه دنبال کرد و انجام بریدگی در ریشه گیاه، با عکس‌العمل گیاه مواجه شد.

هم‌زمان با این آزمایش، آزمایش مشابهی در آزمایش‌گاه «فیزیولوژی نباتات فرهنگستان علوم کشاورزی» نتیجه

تسبیح طبیعت (۱۳۱)

مشابهی به بار آورد. در این آزمایش، ریشه گیاهی را در آب گرم قرار دادند و متوجه شدند که صدای فریاد گیاه بلند شد؛ البته فریاد گیاه آن‌چنان نبود که به گوش برسد، ولی گریه‌ها و فریادهای نامرئی این گیاه را دستگاه‌های دقیق الکترونیکی، روی نوار پهنی ضبط کردند. (۱)

گسترش شعور و آگاهی در تمام ذرات جهان، از موضوعاتی است که برای اثبات آن، طرق و راه‌های

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۶ بهمن ۱۳۵۲.

(۱۳۲) تسبیح طبیعت

گوناگونی وجود دارد و هر گروهی از طریق ویژه خود به آن می‌رسند:

. عارفان و اصحاب سیر و سلوک از طریق ریاضت و تصفیه نفس از آرایش، ضمیر را آن‌چنان صاف و شفاف می‌سازند که این حقیقت بر قلوب آنان منعکس می‌گردد، و «نطق آب و خاک و گل» را به گونه‌ای احساس می‌کنند، هر چند دیگران از چنین حس و درکی محرومند.

. فلاسفه از طریق برهان فلسفی به آن پی برده و گسترش شعور را، نتیجه دو اصل «اصالت وجودی» و

تسبیح طبیعت (۱۳۳)

«اشتراک حقیقت آن» می‌دانند، هم‌چنان که برهان آن را در آغاز بخش یادآور شدیم.

. پیروان وحی و شریعت‌مداران، با بررسی آیات قرآنی، به این حقیقت پی برده‌اند و آیاتی که بر این گواهی می‌دهد در آغاز بحث مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

. پیروان مکتب تجربه و این که همه حقایق باید در بوته آزمایش قرار گیرد، از طریق آزمون، به آن راه یافته‌اند، هم‌چنان که تجربه دانشمندان علوم طبیعی بر آن گواهی داد و امید است که با گذشت زمان و در پرتو آزمون‌های گوناگون این حقیقت قرآنی تجلی بیشتری پیدا کند.

(۱۳۴) تسبیح طبیعت

اصولاً ابتکار «صدر المتألّهین» در ابداع سیستم جدید فلسفی در این خلاصه می‌شود که مرجع «مشارب سه گانه» عرفان، فلسفه، وحی را یکی قرار داد و هر نوع اندیشه تضاد و اختلاف میان آن‌ها را با افکار بلند خود، از میان برداشت خوشبختانه، در مسأله مورد بحث مرجع «مشارب چهار گانه» (به اضافه علم و تجربه) یکی شده است، و حقیقتی را که، موحدان به آن از طرق گوناگون پی برده بودند، لایسک‌ها از راه تجربه به آن رسیده‌اند.

تسبیح طبیعت (۱۳۵)

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی



دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

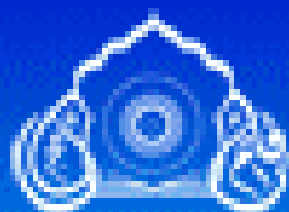
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

